

توسعه شهری، شکل‌گیری و تحول جامعه مدنی (مطالعه موردی: شهر تهران)

رضا نگهبان^۱، امین یآوری^۲، سید علی حسینی^۳، آرام مرادی^۴

چکیده

امروزه شهرها از چنان اهمیتی از زمان پیدایش تمدن بشری برخوردارند که رابرت پارک بنیانگذار مکتب اکولوژی شهری شیکاگو، شهر را کارگاه تمدن بشر نامیده است. شهر همواره ساز و کاری متحول و پویا در حال تغییر و دگرگونی است و این تغییر و دگرگونی تحت شرایط مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ... رخ می‌دهد. بنابراین با مطرح شدن مفهوم فراگیر جامعه مدنی، این انگاره به عنوان عامل مهم در تحول و دگرگونی شهرها وارد عمل خواهد شد. و تأثیر خود را بر ویژگی‌های فضایی - کالبدی شهر برجای خواهد گذاشت. شهر به عنوان نماد کالبدی، اوضاع فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، در هر عصر و دوره ای می‌تواند معیاری جهت ارزیابی روند تحولات جامعه در آن دوره باشد. یکی از فاکتورهای اساسی برای تحقق جامعه مدنی در هر بستر جغرافیایی، توسعه فرهنگ سیاسی و متغیرهای مرتبط با آن می‌باشد. لذا هدف این پژوهش، بررسی ارتباط بین شهر و شهرنشینی و فرهنگ سیاسی به منظور تبیین نقش شهرنشینی بر توسعه جامعه مدنی در ایران می‌باشد. در این راستا جهت استخراج مؤلفه، شاخص و متغیرهای شهرنشینی و فرهنگ سیاسی و همچنین سنجش ارتباط و اثرات مستقیم و غیر مستقیم آنها از روش‌شناسی آمیخته بهره گرفته شده است. فرآیند کلی پژوهش نیز به دو بخش تدوین و ترسیم مدل تأثیر شهرنشینی بر توسعه فرهنگ سیاسی و سنجش و آزمون میزان تأثیرگذاری شهرنشینی بر توسعه فرهنگ سیاسی تقسیم می‌گردد، که در گام اول جهت ترسیم اولیه مدل از روش دلفی سیاستی و در گام دوم نیز از پرسشنامه بهره گرفته شده است. به منظور سنجش روابط بین مؤلفه‌های پژوهش از آزمون ناپارامتریک اسپیرمن و جهت برآورد اثرات مستقیم و غیر مستقیم مؤلفه‌ها بر توسعه سیاسی از روش تحلیل مسیر استفاده شده است. نتایج پژوهش بیانگر آن است که شهرنشینی و فرآیند آن به عنوان یکی از مؤلفه‌های زیربنایی توسعه فرهنگ سیاسی به طور اخص و توسعه جامعه مدنی به طور اعم می‌باشد. همچنین مؤلفه‌های مشارکت سیاسی، آگاهی سیاسی، آزادی بیان و اندیشه و دموکراسی، نهاد سازی و تضعیف بنیان‌های عشیره ای قومی و جنسیتی تأثیر مستقیم و غیرمستقیم و متغیرهای بسیج اجتماعی و شکل‌گیری فضاهای عمومی و مجازی تأثیر غیرمستقیم بر توسعه فرهنگ سیاسی داشته‌اند.

واژگان کلیدی: توسعه، شهرنشینی، جامعه مدنی، فرهنگ سیاسی، ایران.

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی گروه شهرسازی، شهردار منطقه ۷ شهر تهران.
۲. کارشناسی ارشد حقوق، معاون برنامه ریزی و توسعه شهری شهرداری منطقه ۷ شهر تهران
۳. دانش‌آموخته دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری از دانشگاه تهران؛ مسئول تحقیق و توسعه منطقه ۷
۴. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، کارشناس تحقیق و توسعه منطقه ۷

یکی از مشکلات اساسی اقتصاد جهانی این است که چگونه می توان توسعه را در کشورهای جهان سوم ارتقاء داد؟ بسیاری از مردم در این کشورها بدون سر پناه مناسب، در فقر، رکود اقتصادی، شرایط بهداشتی غیر سالم و بدون تسهیلات و امکانات اساسی و انسانی زندگی می کنند (Carole P. Duhaime, Ronald Mc Tavish, and Christopher A. Ross, ۱۹۸۵: ۳). توسعه یک مفهوم چند بعدی است. در واقع توسعه فرآیند حرکت یک جامعه به سوی شرایط اجتماعی اقتصادی مطلوب تر نسبت به آنچه که قبلاً بوده است می باشد (Myrdal, ۱۹۷۲). توسعه به رفع محرومیت و تحقق نیازهای اساسی انسان مانند تغذیه کافی و مناسب، آب سالم، تسهیلات و خدمات آموزشی و بهداشتی، حمل و نقل و سرپناه دلالت دارد. همچنین شامل تقویت احساس خود ارزشمندی در میان مردم می گردد. ابعاد خود ارزشمندی شامل قدرت تصمیم گیری، اتکاء به نفس، مشارکت در تصمیم گیری، هویت فرهنگی و ملی و نیز داشتن احساس هدفمندی در زندگی و کار است (Streeton, ۱۹۷۹: ۵). به طور کلی توسعه جریانی است که در خود، تجدید سازمان و سمت گیری متفاوت کل نظام اقتصادی- اجتماعی را به همراه دارد. توسعه افزون بر بهبود در میزان تولید و درآمد، شامل دگرگونی اساسی در ساختارهای نهادی، اجتماعی، اداری و همچنین ایستارهای مردم است. بنابراین در بسیاری از موارد حتی عادات، رسوم و عقاید مردم را نیز دربر می گیرد (ازکیا، ۱۳۶۹: ۷-۸).

بنابراین توسعه به آن شکلی که جستجو می شود، تغییرات اجتماعی برای تغییر در اشکال ساختاری و الگوهای فرهنگی مورد نیاز است، این تغییرات اجتماعی و فرهنگی به عنوان اساس توسعه اقتصادی و سیاسی هستند (همان: ۷). از سویی دیگر در قرون اخیر، یکی از بسترهای مناسب برای توسعه؛ شهر و فرآیند شهرنشینی می باشد. شهر به عنوان کانون همه جاذبه های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، مکانی است که انسان را از بربریت به اوج تمدن رسانیده و آگاهی های او را جلال و شکوه بخشیده است. شهر به مثابه نخستین شکل تمدن در مرکز تقدس، قدرت و ثروت همواره مفهومی آرمانی و مقدس را به همراه داشته است. شهر کانون همه میراث های فرهنگی و عواطف و احساس بشری است. در طول تاریخ، پس از انقلاب کشاورزی، ایجاد شهرها دومین انقلاب عظیم در فرهنگ انسان است. بطوریکه گوردون چایلد^۱ باستان- شناس استرالیایی، فرآیند پیدایش شهر در تاریخ بشر را انقلاب شهری^۲ و شهرنشینی را معادل تمدن قرار می دهد (Britannica, ۱۹۷۷: ۲۰۱). این امر روند اجتماعی برجسته ای بود که بیش تر موجب دگرگونی در روابط متقابل انسان با محیط و انسان های دیگر گردید. در حقیقت تغییر در واکنش های انسان ها نسبت به هم و نسبت به محیط به تحول اجتماعی و دگرگونی فضائی امکان داد که نمود عینی آن به صورت یک پدیده نو که اصطلاحاً «شهر» نامیده می شود، نمایان گردید (نظریان، ۱۳۸۸: ۲۱).

مطالعات زیادی در ارتباط با گسترش شهر و شهرنشینی در دهه های اخیر و تأثیرات مختلف آن صورت پذیرفته است و اندیشمندان زوایای مختلف آن را مورد کنکاش قرار داده اند. اما یکی از مباحثی که هنوز در سطح بین المللی و بویژه در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران قابلیت بررسی داشته و کمتر به آن پرداخته شده است، ارتباط بین شهر و شهرنشینی با توسعه سیاسی و توسعه فرهنگ سیاسی می باشد. نتایج تحقیق تعداد زیادی از پژوهشگران در سراسر دنیا نشان می دهد که شهرنشینی به طور کلی یکی از اهرم های اساسی توسعه محسوب می شود و مطالعات زیادی در خصوص تأثیرات آن بر جنبه های مختلف توسعه اقتصادی صورت گرفته است. اما در خصوص تأثیر این انقلاب (شهرنشینی) بر مقوله توسعه سیاسی تحقیقات زیادی صورت نگرفته است. پژوهشگرانی که در این خصوص تحقیق کرده

۱. G. Childe

۲. Urban Revolution

اند با توجه به سطح و کیفیت شهرنشینی در کشورهای مختلف به نتایج متفاوتی دست یافته اند و اکثر آنها بر این عقیده هستند که شهرنشینی دارای تأثیر کم تا زیاد بر کل مفهوم توسعه و بویژه توسعه سیاسی می‌باشد (لرنر، ۱۹۵۶؛ مک کرون، ۱۹۶۷؛ تانتر، ۱۹۶۷؛ کاترایت، ۱۹۶۳؛ لیپست، ۱۹۵۹؛ داتچ، ۱۹۶۱؛ میلبرت، ۱۹۶۵ و ...). شهرها به عنوان بستر شکل‌گیری نهادمندی‌های سیاسی و مدنی بخش جدایی‌ناپذیر از فرآیند نوسازی و توسعه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می‌باشند. در اثر فرآیند نوسازی، ساخت جامعه پیچیده شده و شکاف‌های مختلف طبقاتی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی پدیدار می‌شوند و از دل این شکاف‌ها، نهادها و نیروهای اجتماعی و سیاسی ظهور می‌کنند که این نیروها و گروه‌هایی که خواستار مشارکت و آزادی‌های سیاسی هستند، عمدتاً درونمایه‌ی شهری داشته و فضای شهری در شکل‌گیری و موفقیت آنها سهم بسزایی داشته است.

شهر و شهرنشینی در ایران نیز، طی نیم قرن گذشته، به همانند سایر کشورهای در حال توسعه از رشد قابل ملاحظه‌ای برخوردار بوده است. به گونه‌ای که جمعیت شهرنشین از ۳۱ درصد در سال ۱۳۳۵ به بیش از ۷۱ درصد در سال ۱۳۹۰ و همچنین تعداد شهرها به ترتیب از ۱۹۹ شهر به بیش از ۱۱۷۹ شهر در سال ۱۳۹۰ رسیده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). با افزایش تعداد جمعیت شهرنشین به مرور از تعداد جمعیت روستایی کاسته شده و در حال حاضر جمعیت روستایی کشور به کمتر از ۲۹ درصد رسیده و به تبع آن تعداد مراکز روستایی کاهش یافته است. با توجه به اهمیت شهر و شهرنشینی و تحولات آن در جهان سوم به ویژه در کشور ایران از یک سو و عدم انجام پژوهش در باب نقش شهرنشینی در توسعه سیاسی بویژه شکل‌گیری جامعه مدنی از سوی دیگر، ضرورت دارد ضمن تبیین نظریه‌های مختلف در باب نقش شهرنشینی در توسعه سیاسی، به بررسی و تبیین چگونگی ارتباط آن با مفهوم ساخت جامعه مدنی پرداخته شود. هدف اصلی در این پژوهش، بررسی تأثیرات شهرنشینی بر فرآیند توسعه سیاسی با تأکید بر توسعه فرهنگ سیاسی به منظور دستیابی به مؤلفه‌های جامعه مدنی در ایران است.

۲- ادبیات و چارچوب نظری پژوهش

جامعه مدنی از جمله مفاهیمی است که توسط متفکرین مختلف بررسی و دیدگاه‌های گوناگونی در رابطه با کارکرد ها و عوامل لازم جهت تحقق آن در جامعه مطرح شده است. جامعه مدنی، به عنوان حوزه‌ای مستقل از دولت و عرصه‌ای برای رقابت نیروهای اجتماعی از ضرورت‌های اساسی یک نظام سیاسی دموکراتیک به شمار می‌آید. امروزه اصطلاح "جامعه مدنی" در جامعه‌شناسی سیاسی در مقابل دولت، به حوزه‌ای از روابط اجتماعی اطلاق می‌شود که فارغ از دخالت قدرت سیاسی است و مجموعه‌ای از نهادها، مؤسسات، انجمن‌ها و تشکل‌های خصوصی و مدنی (غیر خصوصی) را در بر می‌گیرد (بشیریه، ۱۳۸۵: ۳۲۹). تعاریف متعددی از جامعه مدنی ارائه شده است. جامعه مدنی عبارت است از حوزه‌ای از روابط اجتماعی شامل نهادهایی که از نظر فکر و هدف همسو باشند و در قالب احزاب، اصناف و مانند آن فعالیت می‌کنند، به گونه‌ای که دولت در آنها نفوذی ندارد، بلکه آنها در سیاست نفوذ دارند و در کلیه تصمیم‌گیری‌های سیاسی و خط‌مشی‌ها دخالت دارند (پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۸: ۹۹).

شهروندان در جامعه مدنی مستقل از دولت برای رسیدن به منافع و مصالح مشترک به شکل خودجوش و اختیاری در نهادهای مستقل فعالیت می‌کنند. به دلیل نهادینه شدن فعالیت‌های اجتماعی، همبستگی ملی رشد می‌کند. اساس جامعه مدنی، مشارکت، مساوات، نقد نظرها و ارتباطات، خردورزی، برهان و منطق است. در جامعه مدنی امور جامعه با مشارکت شهروندان صورت می‌پذیرد. شهروندان جامعه مدنی از حقوق برابری برخوردارند و همه در برابر قانون مساوی هستند. جامعه مدنی در چارچوب قانون و جامعه معنا می‌یابد. آلموند و سیدنی وربا نظم جامعه مدنی را در نظم دموکراتیک حیاتی می‌دانستند. عناصر سیاسی و نهادهای جامعه مدنی هوشیاری بیشتر و شهروندی با اطلاع تر را به

وجود می آورند. اینها ارزش های مشترک را می سازند و به فضای سیاسی منتقل می کنند و از این طریق تسهیل درک و به هم پیوستگی جامعه را تحقق می بخشند.

عوامل لازم برای تحقق جامعه مدنی عبارت است از: وجود حکومت مسئولیت پذیر، حاکمیت قانون به عنوان اساس مشروعیت نهادها، تصمیم ها و رفتارها، حضور فعالانه احزاب سیاسی، تشکیلات صنفی و حرفه ای، رسانه های مستقل، گروه های گوناگون اجتماعی و انتخابات آزاد به عنوان زمینه عملی مشارکت نهادی مردم در فرآیند سیاست گذاری حکومت، ساختار اقتصادی مستقل از دولت (نوروزی، ۱۳۸۵: ۱۱)، پاسخگو بودن دولت در برابر ملت، مشارکت گرایی و رقابت سالم (پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۸: ۱۰۸-۱۱۲). در مجموع می توان گفت جامعه مدنی شامل همه حوزه های هابی است که پس از تعیین و تجزیه حوزه دولت باقی می ماند. جامعه مدنی حوزه ای است که در آن کشمکش های اقتصادی، اجتماعی و ایدئولوژیک واقع می شود و دولت می کوشد آن منازعات را از طریق وساطت یا سرکوب حل کند. کارگزاران این منازعات در درون جامعه مدنی عبارتند از احزاب، نیروها، طبقات، گروه ها، جنبش های اجتماعی و نهادها، سازمان و گروه های فشار و انجمن ها. به عبارت دیگر مجموعه نیروهای اجتماعی، اجزای جامعه مدنی به شمار می روند (بشیریه، ۱۳۸۵: ۳۳۲). بنابراین می توان نتیجه گرفت که جامعه مدنی حوزه روابط اجتماعی و دولت حوزه روابط سیاسی است. جامعه مدنی در همه سطوح، دولت را مسئولیت پذیرتر، پاسخگوتر، مؤثرتر و قانون مدارتر می سازد. بر این اساس شکل گیری جامعه مدنی در جامعه به عنوان یکی از شاخصه های دموکراسی از اهمیت زیادی برخوردار است و به عنوان یکی از معیارهای سنجش دموکراسی مورد استفاده قرار می گیرد. اما یکی از بسترهای لازم جهت تحقق جامعه مدنی در یک ساختار سیاسی، توسعه ابعاد فرهنگ سیاسی آن اجتماع می باشد.

بدون شک فرهنگ سیاسی^۱، یکی از مهمترین عوامل شکل دهنده رفتار و کنش های سیاسی افراد یک جامعه می باشد. چرا که فرهنگ سیاسی می تواند با تحمیل الگوها و ارزش های غیر ارادی، کنش های افراد را به عنوان بازیگران سیاسی تحت تاثیر قرار دهد. شناخت فرهنگ سیاسی هر جامعه ای به دلیل آن که اساساً در طی فرآیند تاریخی و تحت تاثیر عوامل متعدد از موقعیت جغرافیایی گرفته تا ویژگی های نظام سیاسی آن جامعه شکل یافته از پیچیدگی خاصی برخوردار است. فرهنگ سیاسی در فرآیند تاریخی شکل می پذیرد و به این جهت در بررسی فرهنگ سیاسی هر جامعه باید ویژگی هایی را در نظر گرفت که ریشه در تاریخ آن جامعه دارند. از سوی دیگر ارایه تعاریف متعددی از این مفهوم از سوی اندیشمندان مختلف، نیز بر این پیچیدگی افزوده است. لذا نخستین قدم برای شناخت فرهنگ سیاسی ارایه تعریفی از آن است. به نظر می رسد که اصطلاح "فرهنگ سیاسی" اولین بار در اواخر قرن ۱۸ به وسیله "هر در"^۲ به کار رفت (حسینی، ۱۳۷۹). اما رشد و تکوین آن به عنوان یک مفهوم در علوم سیاسی مدرن به دهه ۱۹۵۰ و ۶۰ میلادی بر میگردد و این اصطلاح به صورت علمی و مدون، از جنگ جهانی دوم در ادبیات توسعه مطرح شده است. واژه فرهنگ سیاسی را نخستین بار آلموند و وربا^۳ در علم سیاست به کار بردند "هر نظام سیاسی شامل الگوی خاصی از سمت گیری ها به سوی عمل سیاسی است و فکر می کنم که بهتر است این الگو را فرهنگ سیاسی بنامیم" (Almond & Verba, ۱۹۹۰: ۱۰). همچنین تعبیر فرهنگ سیاسی را می توان در نوشته های جامعه شناسان و مردم شناسانی مانند ساموئل بوراندرا^۴، آدم اولام^۵، روت بنددیکت^۶، مارگارت مید^۱، ابرام کاردین^۲، رالف لیتتون^۳ و افرادی که بر روی مفاهیم،

۱ - Political culture
۲ . Herder
۳ Almond & Verba
۴ Bondra
۵ Olam
۶ Benedict

فرهنگ و شخصیت کار کرده اند، دنبال کرد. فیشر^۴ نیز فرهنگ سیاسی را "الگوها، اعتقادات و فرضیه های معمولی مردم نسبت به جهان سیاست می داند" (۱: ۲۰۰۳، Fisher). چلبی فرهنگ سیاسی را با مراجعه به پیوستار مردم سالاری - خود - سالاری مفهوم سازی کرده است (چلبی، ۱۳۷۵). قوام، فرهنگ سیاسی را تلقی مردم و جهت گیری آن ها نسبت به نظام سیاسی و کارکردهای آن که در زمینه انگاره ها و ایستارها نسبت به اقتدار، مسؤلیت های حکومتی و الگوهای مربوط به جامعه پذیری سیاسی مورد توجه قرار می گیرند، می داند. وی بدین طریق فرهنگ سیاسی را محصول تاریخ نظام و عقاید سیاسی می داند که ریشه و رفتار عمومی و نیز تجربه شخصی دارد (قوام، ۱۳۷۹). لذا به طور خلاصه می توان گفت فرهنگ سیاسی؛ بینش، ذهنیت، تلقی، انگاره ها، ایستارها و رویکرد مردم نسبت به کلیت نظام سیاسی است که با توجه به محیط جغرافیایی و نحوه دسترسی آنها به اطلاعات و خدمات مختلف از سطوح مختلفی برخوردار می باشد. از سوی دیگر توسعه به رفع محرومیت و تحقق نیازهای اساسی انسان مانند تغذیه کافی و مناسب، آب سالم، تسهیلات و خدمات آموزشی و بهداشتی، حمل و نقل و سر پناه دلالت داشته و شامل تقویت احساس خود ارزشمندی در میان مردم می گردد. ابعاد خود ارزشمندی شامل قدرت تصمیم گیری، اتکاء به نفس، مشارکت در تصمیم گیری، هویت فرهنگی و ملی و نیز داشتن احساس هدفمندی در زندگی و کار است (۵: ۱۹۷۹، Streenton). به طور کلی توسعه جریانی است که در خود، تجدید سازمان و سمت گیری متفاوت کل نظام اقتصادی - اجتماعی را به همراه دارد. توسعه افزون بر بهبود در میزان تولید و درآمد، شامل دگرگونی اساسی در ساختارهای نهادی، اجتماعی، اداری و همچنین ایستارهای مردم است. بنابراین در بسیاری از موارد حتی عادات، رسوم و عقاید مردم را نیز دربر می گیرد (ازکیا، ۱۳۶۹: ۷-۸). سه نوع دیدگاه در ارتباط با شهرنشینی؛ نوسازی و دگرگونی فرهنگ سیاسی مطرح می باشد. اولین مدل که توسط میلبرت، داتچ، لرنر و دیگران بسط داده شده، مدعی است مشارکت و فرهنگ سیاسی با جابجایی افراد از مناطق حاشیه ای (روستایی) به مناطق مرکزی (شهری) بالاتر می رود. بر طبق نظریه مرکز - پیرامون میلبرت، برخی افراد تمایل بیشتری نسبت به دیگران برای مشارکت در کانال های سیاسی جامعه دارند. ساکنان شهرها، به همین ترتیب گرایش بیشتری به فرآیند های سیاسی در قیاس با ساکنان روستاها دارند (۴-۱۱۰، Pp: ۱۹۶۵، Milbrath). در روشی مشابه، دانیل لرنر شهری شدن را به عنوان مرحله حیاتی فرایند چندجانبه مشارکت سیاسی قلمداد می کند، زیرا شهرنشینی باعث افزایش سطح آگاهی مردم برای مواجهه با رسانه های ارتباط جمعی می شود و از این طریق مشارکت سیاسی را افزایش می دهد (۴۳-۵۷، Pp: ۱۹۵۸، Lerner). در نهایت بر طبق تحلیل داتچ، بسیج اجتماعی باعث گسترده شدن مشارکت اجتماعی می شود. از نظر او همانطوری که یک جامعه به سمت شهری شدن، صنعتی شدن، و مدرنیزه شدن بیشتر حرکت می کند، مردم بیشتر به حکومت و کارکردهای آن و همینطور منافع خود آگاهی پیدا می کنند. آگاهی بیشتر از منافع سیاسی خود باعث تقاضای بیشتر برای مشارکت سیاسی و سطح بیشتری از درگیری سیاسی توده ها در سیاست می شود (۴۹۲-۵۱۲، Pp: ۱۹۶۱، Deutsch). بر طبق مدل دوم یعنی "شهرنشینی و تنزل مشارکت سیاسی و به تبع آن افت فرهنگ سیاسی"، که توسط وربا، نیل، دال، تافته و دیگران پرورش یافته، مشارکت و فرهنگ سیاسی با جابه جایی افراد از مناطق کم جمعیت تر یعنی روستاها و شهرهای کوچک به مناطق پرجمعیت تر یعنی شهرهای بزرگ و بخصوص پایتخت ها که از آنها به عنوان دولت - شهر یاد می شود، تنزل می یابد. زیرا در شهرهای کوچک و روستاها "حقیقت سیاست" و اینکه با چه کسی باید ارتباط برقرار کنند را درک می کنند، در قیاس با شهرهای بزرگ سیاست خیلی پیچیده و غیر شخصی می شود و شهروندان به میزان بیشتری سردرگم می شوند. در نتیجه فرهنگ سیاسی والا و مشارکت سیاسی معنادار مشکل می شود و سطح فرهنگ سیاسی تنزل پیدا می کند. مشابه با وین، دال و تافته پیش بینی می

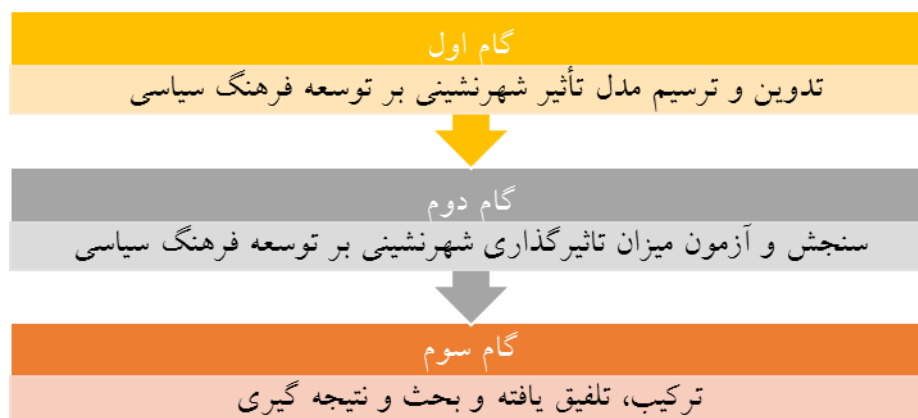
۱ Mead
۲ Kardinder
۳ Linton
۴ Fisher

کردند که مشارکت و سطح فرهنگ سیاسی در شهرها کاهش پیدا کند، " در شهرهای بزرگ تر افراد احساس کارآمدی کمتر و در نتیجه مشارکت سیاسی کمتری دارند، بنابراین انگیزه کمتری برای مشارکت دارند و سطح فرهنگ سیاسی تنزل پیدا می کند" (Kim and Choe, ۱۹۷۸, pp.۳۱-۳۲). در نهایت آلکس اینکلس و دیگران معتقدند شواهد اندکی وجود دارد که شهرنشینی تأثیر آشکاری بر رفتار سیاسی افراد داشته باشد. او در این زمینه می نویسد، " آشکار است زندگی در یک محیط شهری تأثیر شگرفی بر نرخ مشارکت سیاسی ندارد" (Inkeles, ۱۹۶۹, ۱۱۳۹). از آنجایی که تز اصلی این پژوهش بررسی تأثیر شهرنشینی بر توسعه جامعه مدنی در ایران می باشد، لذا سعی شده است در قالب روش تحقیق آمیخته اکتشافی و با بهره‌گیری از نظریات خبرگان و کارشناسان و تحلیل توأمان کیفی و کمی موضوع مورد پژوهش بررسی گردد.

۳- روش پژوهش

از نظر روش‌شناسی در این پژوهش کاربردی، با توجه به ناشناخته بودن موضوع تحقیق، از روش تحقیق آمیخته اکتشافی استفاده شده است (Hesse-Biber, ۲۰۱۰: ۱۸۷). فرایند کلی این پژوهش شامل سه مرحله اصلی است که در شکل شماره یک ترسیم و به تفصیل در ادامه تشریح گردیده است.

شکل شماره (۱): فرایند کلی پژوهش



در گام اول با استفاده از تحقیق کیفی مبتنی بر تکنیک دلفی سیاستی، عوامل شکل‌دهنده بر شهرنشینی و توسعه‌ی فرهنگ سیاسی شناسایی و مدل تأثیر شهرنشینی بر توسعه فرهنگ سیاسی بر اساس نتایج مصاحبه با خبرگان تدوین گردید (Keeney, ۲۰۱۰). در پژوهش حاضر برای افزایش روایی تحقیق، داده‌ها از منابع مختلف جمع‌آوری گردید، و زنجیره‌ای منطقی از شواهد فراهم شد. بدین منظور، از ترکیبی از روش‌های جمع‌آوری داده‌ها از قبیل مطالعات کتابخانه‌ای، مصاحبه، اسناد و گزارش‌های سازمانی استفاده شده است. این پژوهش با مطالعه منابع مستند مانند گزارش‌های مرکز تحقیقات شهرداری تهران، مرکز تحقیقات مجلس و طرح‌های تحقیقاتی آغاز گردید. سپس، با انجام مصاحبه‌های نیمه-ساختار یافته با اعضای نمونه داده‌های کافی به منظور پاسخ به سؤالات تحقیق جمع‌آوری شد (Farquhar, ۲۰۱۲). جامعه آماری پژوهش حاضر در مرحله تحقیق کیفی، شامل خبرگان علوم شهری و علوم سیاسی است. در مرحله تحقیق کیفی نیز از روش نمونه‌گیری هدفمند از نوع نمونه‌گیری گلوله برفی استفاده شده است (پوراحمد و اسکندری نوده، ۱۳۸۸: ۷۰). دلیل انتخاب تکنیک نمونه‌گیری گلوله برفی آن بود که خبرگان علوم شهری و علوم سیاسی متخصص در زمینه مسأله تحقیق (نقش شهرنشینی بر فرهنگ سیاسی) شناخته شده نبودند. بنابراین پژوهشگران پس از شناسایی اولین خبره، از وی برای معرفی خبره بعدی برای انجام مصاحبه کمک گرفتند (Babbie, ۲۰۱۱). مطابق اصل کفایت

داده‌ها، نمونه‌گیری تا زمانی ادامه یافت که نمونه‌های جدید (خبرگان جدید) اطلاعات مفید و جدید دیگری را افزون بر آنچه از نمونه‌های پیشین به دست آمده، ارائه می‌دادند. به عبارت دیگر، جهت کفایت نمونه‌گیری از اصل اشباع نظری^۱ استفاده شد و نمونه‌گیری تا زمان رسیدن مدل به مرحله اشباع ادامه پیدا کرد (Willig, ۲۰۱۳).

همزمان با گردآوری داده‌ها، تحلیل مصاحبه‌ها نیز آغاز گردید (Corbin and Strauss, ۲۰۰۸)، به نحوی که بعد از تحلیل و کدگذاری داده‌های حاصل از هر مصاحبه یا سند سازمانی، با مشخص شدن نقاط مبهم و نقاط ضعف نظریه در حال تکوین، در مصاحبه بعدی برای اصلاح و غنی‌تر کردن نظریه سوالات مناسب طرح می‌شد؛ و نمونه‌گیری آنقدر ادامه یافت تا مقوله‌ها اشباع شدند (Eaves and Vonne, ۲۰۰۱). بر این اساس، پس از انجام ۱۶ مصاحبه با خبرگان، و مطالعه ۷ سند سازمانی، مقوله‌ها به حد اشباع رسیدند؛ یعنی در بررسی آخرین نمونه‌های مطالعه شده، ایده‌ها و مفاهیم جدید بیشتری شناسایی نشده و مفاهیم موجود بوسیله تحلیل بیشتر داده‌ها به چالش کشیده نمی‌شدند (McFerran and Saarikallio, ۲۰۱۴).

در این تحقیق برای تحلیل متن مصاحبه‌ها و اسناد سازمانی از دو رویکرد کدنامه‌ای^۲ و رویکرد ویرایشی^۳ استفاده شده است. در رویکرد کدنامه‌ای، با بررسی مبانی نظری، راهنمای تحلیل مصاحبه که شامل مفاهیم مرتبط با شهرنشینی و فرهنگ سیاسی است، تهیه شد، و سپس متن مصاحبه‌ها و اسناد سازمانی با استفاده از راهنمای کلی که شامل تعدادی از طبقه‌ها یا مفاهیم مرتبط با سوالات پژوهش است تحلیل گردید (Remenyi, ۲۰۱۲). همچنین جهت تحلیل عمیق داده‌ها، از رویکرد ویرایشی نیز برای تحلیل متن مصاحبه‌ها و اسناد سازمانی استفاده شد. این سبک تحلیل داده‌ها ویرایشی نامیده می‌شود، زیرا مفسر مانند ویرایشگری عمل می‌کند که به دنبال شناسایی بخش‌های معنی‌دار، کم و زیاد کردن کلمات یا جملات و حذف کلمات غیرضروری در متن است (Crabtree and Miller, ۱۹۹۹).

در گام دوم با استفاده از روش تحقیق کمی (آزمون همبستگی و تحلیل مسیر) مدل تدوین شده در گام نخست مورد آزمون قرار گرفت. جامعه آماری این مرحله شامل شهروندان تهرانی در گروه سنی ۱۸ سال به بالا، می‌باشد. بنا بر نظر گریس (۲۰۰۶) و پاینده و امیدی (۱۳۹۲)، به ازای هر پارامتر مجهول در ساختار ۱۰ مشاهده مورد نیاز است. با توجه به تعداد پارامترهای مجهول مدل، نیاز به ۲۴۰ نمونه بود که جهت اطمینان ۲۶۰ پرسشنامه توزیع گردید که ۲۵۱ پرسشنامه قابل استفاده بود. به منظور تکمیل پرسشنامه‌ها با مراجعه به مناطق مورد مطالعه، بصورت تصادفی از نمونه‌های در دسترس جهت پر کردن پرسشنامه استفاده شده است. به منظور تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها از آزمون همبستگی پیرسون و آزمون رگرسیون چند متغیره با استفاده از نرم‌افزار SPSS استفاده شده است.

به منظور سنجش روایی پرسشنامه، با استفاده از روش اعتبار محتوای صوری، پرسشنامه برای ۳۵ نفر از متخصصین از طریق رایانامه ارسال گردید و نظرات اصلاحی آنها در پرسشنامه نهایی اعمال شد. پایایی پرسشنامه با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ مورد سنجش قرار گرفت، نتایج این آزمون در جدول شماره یک ارائه گردیده است. با توجه به اینکه ضریب آلفای کرونباخ هر دو بخش پرسشنامه بالاتر از ۰/۷ می‌باشد، لذا پرسشنامه از پایایی مورد قبولی برخوردار است.

جدول شماره (۱): ابعاد و پایایی پرسشنامه پژوهش

ابعاد فرهنگی سیاسی	ابعاد شهرنشینی	
--------------------	----------------	--

^۱ Theoretical Saturation

^۲ Template Analysis

^۳ Editing Approach

تعداد سوالات	۲۴	۱۸
آلفای کرونباخ	۰/۸۲	۰/۷۴

۴- یافته‌های پژوهش و تجزیه و تحلیل

۴-۱- یافته‌های کیفی

همانطور که در مطالب فوق تشریح گردید در گام اول تحقیق، با استفاده از تحقیق کیفی مبتنی بر تکنیک دلفی سیاسی، بر اساس نتایج مصاحبه با خبرگان، عوامل شکل‌دهنده شهرنشینی و توسعه‌ی فرهنگ سیاسی شناسایی شده و مدل تأثیر شهرنشینی بر توسعه فرهنگ سیاسی تنظیم گردید. جهت استخراج این عوامل و تحلیل متن مصاحبه با خبرگان از تکنیک تحلیل محتوا استفاده شده است. نتایج تحلیل محتوای مصاحبه با خبرگان و همچنین مؤلفه‌ها و گویه‌ها و متغیرهای استخراج شده، در جدول شماره ۲ و ارتباط آنها با توسعه سیاسی در شکل شماره ۲ نشان داده شده است.

شکل شماره (۲): مؤلفه‌های شهرنشینی و فرهنگ سیاسی و ارتباط آنها با توسعه سیاسی



جدول شماره(۲): نتایج تحلیل محتوای مصاحبه با جامعه خبرگان

متغیر	شاخص	مؤلفه	بعد
شرکت در انتخابات مجلس، شرکت در انتخابات ریاست جمهوری، شرکت در انتخابات شورای اسلامی روستاها و شهرها، شرکت در انتخابات شورای نگهبان، شرکت در فرایند های قانون اساسی، مشارکت در مدیریت شهری و دولت های محلی و ...	مشارکت سیاسی شهروندان	مشارکت سیاسی	فرهنگ سیاسی
آشنایی با قوانین احزاب، شناسایی قوانین انجمن ها و جایگاهشان در قوانین کشوری، عضویت در احزاب خاص، عضویت در انجمن های خاص، شناخت ویژگی های احزاب کشور، شناسایی انجمن های دولتی و خصوصی، شرکت در انجمن های صنفی، بالا رفتن پایگاه اجتماعی افراد.	شرکت در احزاب و انجمن ها		
امکان تصدی مشاغل دولتی از سوی همه گروهها با هر رنگ، نژاد و مذهب، امکان تصدی نمایندگی مجلس شورای اسلامی، امکان	شرکت مردان در امور سیاسی		

		انتخاب شدن به عنوان رجل سیاسی.
	شرکت زنان در امور سیاسی	امکان تصدی مشاغل دولتی از سوی همه گروهها با هر رنگ، نژاد و مذهب، امکان تصدی کرسی نمایندگی مجلس شورای اسلامی، امکان انتتخاب شدن به عنوان رئیس جمهور و یا سایر مدیران و مسئولین تأثیرگذار...
	آگاهی از مسائل روز سیاسی ایران و جهان	پیگیری اخبار و رویدادهای مربوط به سطح داخل، پیگیری اخبار و رویدادهای مربوط به خارج از ایران، پیگیری اخبار مربوط به انقلاب و تحولات بنیادی، پیگیری انتخابات مربوط به کشورهای مهم جهان، شناخت روندهای سیاسی ایران و سایر کشورها، پیگیری اخبار و مطبوعات.
	آگاهی از قانون اساسی	شناخت حقوق و وظایف مربوط به خود در قانون اساسی، شناخت حقوق و وظایف مربوط به نمایندگان مجلس در قانون اساسی، شناخت وظایف مجریان حکومتی، آگاهی از چگونگی مکانیسم رأی گیری، آگاهی از حق و حقوق شهروندی، پیگیری مطالبات افراد، آزادی بیان و ...
	شناخت کار ویژه های نهاد های حکومتی و قوای سه گانه	آگاهی از وظایف قوه مجریه، آگاهی از وظایف رهبری، آگاهی از وظایف قوه مقننه، آگاهی از وظایف قوه قضائیه و ...
	شناخت مکانیسم های ورودی سیستم سیاسی	آگاهی از چگونگی انتخاب رهبران و مجریان کشوری، آگاهی از چگونگی انتخاب مجریان قضایی، آگاهی از چگونگی احقاق حق در مجاری قانونی، امکان ورود و صعود در سازمان ها و نهاد های دولتی و غیر دولتی.
	بحث در باب موضوعات سیاسی	دوری از تنش و هیجان زدگی، قائل شدن حق برای طرف مقابل در گفتگوها، رعایت حریم در موضوعات سیاسی، پیگیری نشست های سیاسی.
	آزادی بیان و اندیشه	انتشار آثار و مطالب مکتوب
	حق اعتراض	آگاهی از حق تألیف چاپ و ترجمه کتب، آگاهی از حق مربوط به ثبت اختراعات، آگاهی از چگونگی نشر کتب، حق آزادانه انتشار کتاب.
	تأثیر بر تصمیم گیری های سیاسی	آگاهی از مکانیسم احقاق حق در زمان احساس تقلب و یا شائبه در انتخابات، آگاهی از چگونگی برگزاری تظاهرات به صورت مسالمت آمیز، آگاهی از زمان مناسب برای پاسخگویی به اعتراضات.
	دموکراسی	شناسایی مکانیسم های چگونگی تأثیر بر مقامات اجرایی، شناسایی مکانیسم های چگونگی تأثیر بر مقامات قضایی، شناسایی مکانیسم های تأثیرگذاری بر مقامات در قوه مقننه و سایر نهادها.
	دخالت دولت در امور اجتماعی	آگاهی از حقوق صنفی خود در قوانین، آگاهی از حقوق مدنی خود در قوانین اساسی و سایر قوانین، آگاهی از میزان دخالت دولت در امور

اجتماعی، آگاهی از دخالت های بی جای دولت در امور اجتماعی.			
دخالت بر اجرای امور	طرح ایده در تصمیم سازی ها، برنامه ریزی از پایین به بالا، حضور در سازمان های تأثیرگذار		
تأثیرگذاری بر احزاب و حکام	شناسایی احزاب موجود در کشور، شناسایی رویه های تصمیم گیری در احزاب، شناسایی مقامات تأثیرگذار در احزاب، افزایش کانال های ارتباطی بین مردم و احزاب.		
تسهیل ارتباطات جمعی	ارتباط در قالب گروه ها، ارتباط در قالب احزاب و انجمن ها، عضویت در گروه های شعلی، حضور در فضاهای شهری و فضاهای عمومی، دسترسی به شبکه های اجتماعی، عضویت در شبکه های اجتماعی، استفاده گسترده از فناوری های جدید، شکل گیری فضاهای موازی، شکل گیری کاربری های مجازی.		
تکثرگرایی	حضور دیدگاه های مختلف، وجود احزاب مختلف، حضور شهروندان با ایده های متفاوت، افزایش کانال های ارتباطی، علایق متفاوت و نیز فلسفه زندگی متفاوت.		
توسعه ارتباطات	توسعه امکانات و زیرساخت ها، تسهیل دسترسی به اماکن مختلف، کوتاه شدن فاصله های زمانی، سرمایه گذاری گسترده، بهره گیری از علوم و فنون روز و کاربردی کردن آنها.	شکل گیری فضاهای عمومی و مجازی	شهر نشینی
تبادل نظرات و عقیده ها	شکل گیری جامعه آزاد، ارتقای ظرفیت های افراد و گروه ها، انعطاف پذیری، احترام به مقوله دموکراسی، انسجام اجتماعی، افزایش نظارت و مراقبت دائمی.		
جهانی شدن	دهکده جهانی، بهره گیری از نماد ها و نشانه های فراملی، گسترش مارک ها و برند ها، بسترسازی برای جامعه ی مردم نهاد، مفهوم سازی شهروند جهانی، بسط استانداردهای واحد، تأثیرپذیری در فرآیند های برنامه ریزی، اقتصاد بازار آزاد، افزایش وابستگی ملل به یکدیگر.		
تغییر سبک زندگی	تکثر در الگوهای زندگی، شکل گیری جامعه رفاه، کوچک شدن بعد خانوار، مصرف گرایی، کم شدن ارتباطات خانواده ها، تغییر در فضا و کالبد مسکن، تغییر در سلیقه ها، تغییر رژیم های غذایی، شکل گیری ارتباطات مادی، تغییر کیفیت زندگی.		
حقوق شهروندی	آگاهی از حق و حقوق شهروندی، شناخت قوانین شهروندی، مطالبه حقوق شهروندی، اعتراض به روندهای موجود، وظایف و مسئولیت های شهروندان در قبال یکدیگر، وظایف و مسئولیت های شهروندان در قبال مدیریت شهری، دولت و قوای حاکم، مطالبات دولت یا حکومت از شهروندان.	نهادسازی	
نخبه پروری	شکل گیری طبقه متوسط، سازمان یابی گروه ها و نیروهای اجتماعی، شایسته سالاری، پرورش نسل های آینده با مشخصه هایی چون احترام متقابل، محاسبه گری، عقلانیت ابزاری، توجه به زمان و		

فرصت ها، آینده نگری، شفاف و دقیق بودن، دارای مسؤلیت اجتماعی، داشتن استعداد همکاری و کار سازمانی، توان تسلط بر احساسات، داشتن روحیه علمی و مطالعاتی و آمیخته بودن با قانون و آزادی.			
توسعه سیستم آموزشی، دسترسی به امکانات مختلف در باب آموزش، گستردگی دانشگاه ها، نهاد ها و ارگان های آموزشی، امکان ارتقا به سطوح بالاتر من جمله در سطح تحصیلات تکمیلی، کاهش میزان بی سواد، تسهیلات آموزشی و سیطره مراکز آموزشی، ایجاد فضای رقابتی.	سطح سواد		
شکل گیری مجموعه ای از مشاغل، تکرر در الگوهای زندگی، تقسیم کار، توسعه ظرفیت های نهفته، سطح تولید بیشتر، افزایش بهره وری، دسترسی به فرصت های شغلی بهتر، تخصصی تر شدن مشاغل، توسعه بخش خدمات و فناوری.	تخصص گرایی		
سهولت در دسترسی به خواسته های مدنی، ارتقای پایگاه های اجتماعی و سیاسی، شکل گیری سندیکاها و صنوف، شکل گیری تشکل های دولتی، غیر دولتی و مردم نهاد، شکل گیری نهادهای دینی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در جامعه.	تشکل پروری		
تشویق به مشارکت، جلوگیری از مشارکت سیاسی نامتعارف، سهولت در دسترسی به خواسته های مدنی، کاهش کنترل های اجتماعی.	افزایش محرک های سیاسی	بسیج اجتماعی	
افزایش فرصت ها جهت تغییر در پایگاه اجتماعی، افزایش تحرک صعودی در شهر، اکولوژی شهری، تعاملات اجتماعی چند گانه.	تحرک اجتماعی		
بدین معنی که افراد علی رغم تفاوت در شغل، مذهب، قومیت، طبقه و سطح اجتماعی و باورهای متفاوت، به همدیگر وابسته هستند و همانند یک کارگزاری عمل می کنند.	شکل گیری مجموعه ای از کارگزاری ها		
جهانی شدن و شکل گیری دنیای ارتباطات، افزایش طبقه متوسط شهری جدید، ارتقای سطح مادی، زمان و آموزش، افزایش طبقه دانشگاهی و نخبه، مادی گرایی، جایگزین شدن شیوه بیرونی کنش به جای شیوه درونی کنش، پیگیری مطالباتی نظیر آزادی، هویت و حقوق بشر، بهره جستن از شکاف های وضع موجود اجتماع، تعداد اعضای بسیار زیاد، ایجاد تغییر در رسم ها، عادات و هنجارها.	شکل گیری جنبش های اجتماعی		
ویژگی های فردی مانند سن، سطح تحصیلات و وضعیت اشتغال جوانان، پایگاه اجتماعی و اقتصادی، شرایط محیط زندگی، نگرش ها و انگیزه ها، وجود نهاد و سازمان های جمعی و میزان دسترسی به امکانات ارتباطی.	مشارکت اجتماعی		
واگرایی جهت گیری های شخصی از طریق نمایش تصاویر معیاربندی شده زندگی شهری از طریق فروشگاهها، کلوب ها،	معیار بندی رفتارها		تضعیف بنیان های

رستورانها، اتوبوس ها، روزنامه ها، تلویزیون، رادیو، مدارس و دانشگاهها ...		عشیره ای، قومی و جنسیتی
تضاد بین هنجارها و ارزش ها، کاهش ارتباطات شخصی صمیمانه، تعامل افراد مختلف با همدیگر بدون توجه به طبقه و پایگاه اجتماعی افراد، عدم کنترل اجتماعی، آزادی فردی، عدم الزام به پایبندی روابط اجتماعی اولیه.	گمنامی	
توسعه فضاهای عمومی، میداين و مراکز مختلف شهری، جشنواره ها و سمینارهای فرهنگی، اجتماعی و ...، شبکه های حمل و نقل، عضویت در شبکه های اجتماعی مجازی و حقیقی.	تعامل اجتماعی	
جابجایی اجتماعی، فردگرایی، جداسازی فضایی، تسامح و مدارای اجتماعی، کنترل ثانویه و مشارکت داوطلبانه، تکثرگرایی، تحرک جغرافیایی.	کثرت هویت ها و پیوند اجتماعی	
امکان حضور ایمن همه ی گروه های شهری منجمله زنان در فضاهای شهری، عدم اهمیت جنسیت در فضاهای شهری، کاربری های مختلط، رضایت مندی و بهره مندی بهره گیران، دسترسی به فرصت های شغلی برابر، شایسته سالاری و تخصص گرایی، جنبش های زنان و رویکردهای فمینیستی، حضور زنان در سلسله مراتب مدیریتی، دولتی و ...	رنگ باختن تفاوت های جنسیتی	
رنگ باختن ارتباطات فامیلی و رابطه ای، تخصصی شدن مشاغل، رواج قوانین و مقررات، دسترسی به تسهیلات و خدمات شهری، دسترسی به فرصت های برابر در زمینه های آموزشی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و ... ارتقای بهداشت و درمان و شاخص های آن.	دسترسی به فرصت های برابر	
شکل گیری انسجام ارگانیکی به جای انسجام مکانیکی، انسجام اجتماعی، رنگ باختن ارزش ها و باورهای قومی و قبیله ای، رنگ باختن تعصبات مذهبی، پایبندی به ارزش ها و باور های غیر رسمی.	میزان همگونی و اختلاط	

همانطور که در جدول شماره ۲، مشاهده می شود توسعه فرهنگ سیاسی و شهرنشینی با عوامل مداخله گر زیادی ارتباط و پیوند دارد. اما آنچه حایز اهمیت است بستر و مکان جغرافیایی است که توسعه فرهنگ سیاسی در آن به وقوع می پیوندد. بر اساس گویه های فوق، دو عامل اصلی در عینیت یافتن مبحث فرهنگ سیاسی در یک فضای جغرافیایی تأثیر گذار می باشند. نخست، نقش دولت و حاکمیت به عنوان متولی امور برنامه ریزی و سیاست گذاری قابل بررسی است. چرا که دولت و نهادهای تأثیر گذار با تعیین قوانین و مقررات مبنای میزان برخورداری از سطح دموکراسی و پیاده سازی آن در جامعه نقش سلبی و یا ارتقا دهنده توسعه فرهنگ سیاسی را دارند و تا زمانی که عزم جدی در این خصوص شکل نگیرد نمی توان انتظار داشت فعالیت های مختلفی نظیر افزایش مشارکت سیاسی، شکل گیری احزاب و ... به سطح ایده آل خود نزدیک شود. عامل دوم اعضای جامعه هدف می باشند که سطح و میزان مطالبات آنها از دولت با توجه به میزان آگاهی های سیاسی، شکل گیری نهاد های مختلف در جامعه، عدم پایبندی به تفکرات بازدارنده توسعه نظیر اندیشه های قومی و قبیله ای، سطح سواد، انگیزه های مشارکت مدنی و ... متغیر خواهد بود. اما آنچه حایز اهمیت

است بستر و مکان جغرافیایی بوجود آورنده توسعه فرهنگ سیاسی می باشد. لذا می توان شهر و شهر نشینی را به مثابه مکان و فضای جغرافیایی بعنوان تیلور و خاستگاه اولیه توسعه فرهنگ سیاسی قلمداد نمود.

۴-۲- یافته‌های کمی

یافته‌های کمی این پژوهش به دو بخش اصلی تقسیم می‌گردد. در بخش اول همبستگی درونی بین مؤلفه‌های شهرنشینی و فرهنگ سیاسی محاسبه و در بخش دوم نیز از آزمون تحلیل مسیر جهت برآورد اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای شهرنشینی بر توسعه فرهنگ سیاسی بهره گرفته شده است. در ادامه نتایج این آزمون‌ها به تفصیل ارائه گردیده است.

۴-۲-۱- همبستگی بین مؤلفه‌های شهرنشینی

به منظور سنجش رابطه معناداری بین ابعاد شهرنشینی از آزمون همبستگی ناپارامتریک اسپیرمن استفاده شده است. بر اساس نتایج این آزمون که در جدول شماره چهار آمده است، ارتباط معنادار و مستقیم بین این مؤلفه‌ها وجود دارد. از نظر میزان همبستگی مؤلفه بسیج اجتماعی بیشترین ارتباط را با مؤلفه فضاهاى عمومی و مجازی و کمترین ارتباط با نهادسازی را دارد. مؤلفه نهادسازی بیشترین ارتباط را با مؤلفه فضاهاى عمومی و مجازی و کمترین ارتباط را با بسیج اجتماعی دارد. مؤلفه فضاهاى عمومی و مجازی بیشترین ارتباط را با مؤلفه تضعیف بنیان‌های عشیره‌ای-قومی و جنسیتی و کمترین ارتباط را با مؤلفه نهادسازی دارد. مؤلفه تضعیف بنیان‌های عشیره‌ای-قومی بیشترین ارتباط را با مؤلفه فضاهاى عمومی و مجازی و کمترین ارتباط را با مؤلفه بسیج اجتماعی دارد. شایان ذکر است، مؤلفه‌های فضاهاى عمومی و مجازی و تضعیف بنیان‌های عشیره‌ای-قومی و جنسیتی بترتیب بیشترین ضریب همبستگی را با سایر مؤلفه‌ها دارند.

جدول شماره (۳): میزان همبستگی بین مؤلفه‌های شهرنشینی با استفاده از آزمون اسپیرمن

متغیرها	بسیج اجتماعی		نهادسازی		فضاهای عمومی و مجازی		تضعیف بنیان‌های عشیره‌ای-قومی و	
	ضریب همبستگی	سطح معناداری	ضریب همبستگی	سطح معناداری	ضریب همبستگی	سطح معناداری	ضریب همبستگی	سطح معناداری
بسیج اجتماعی	-	-	۰/۴۸۲	۰/۰۰	۰/۶۵۹	۰/۰۰	۰/۵۲۲	۰/۰۰
نهادسازی	۰/۴۸۲	۰/۰۰	-	-	۰/۶۰۰	۰/۰۰	۰/۵۷۴	۰/۰۰
فضاهای عمومی و مجازی	۰/۶۵۹	۰/۰۰	۰/۶۰۰	۰/۰۰	-	-	۰/۷۴۳	۰/۰۰
تضعیف بنیان‌های عشیره‌ای-قومی	۰/۵۲۲	۰/۰۰	۰/۵۷۴	۰/۰۰	۰/۷۴۳	۰/۰۰	-	-

۴-۲-۲- همبستگی بین مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی

بر اساس نتایج آزمون همبستگی ناپارامتریک اسپیرمن که در جدول شماره پنج آمده، ارتباط معنادار و مستقیم بین مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی وجود دارد. از نظر میزان همبستگی مؤلفه مشارکت سیاسی بیشترین ارتباط را با مؤلفه دموکراسی دارد. مؤلفه آگاهی سیاسی بیشترین ارتباط را با مؤلفه آزادی بیان و اندیشه و کمترین ارتباط را با مشارکت سیاسی دارد. مؤلفه آزادی بیان و اندیشه بیشترین ارتباط را با مؤلفه آگاهی سیاسی دارد. مؤلفه دموکراسی نیز بیشترین ارتباط را با مؤلفه آگاهی سیاسی و کمترین ارتباط را با مؤلفه آزادی بیان و اندیشه دارد. شایان ذکر است که مؤلفه‌های آزادی بیان و اندیشه و آگاهی سیاسی بترتیب بیشترین ضریب همبستگی را با سایر مؤلفه‌ها دارند. جدول شماره (۴): میزان همبستگی بین مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی با استفاده از آزمون اسپیرمن

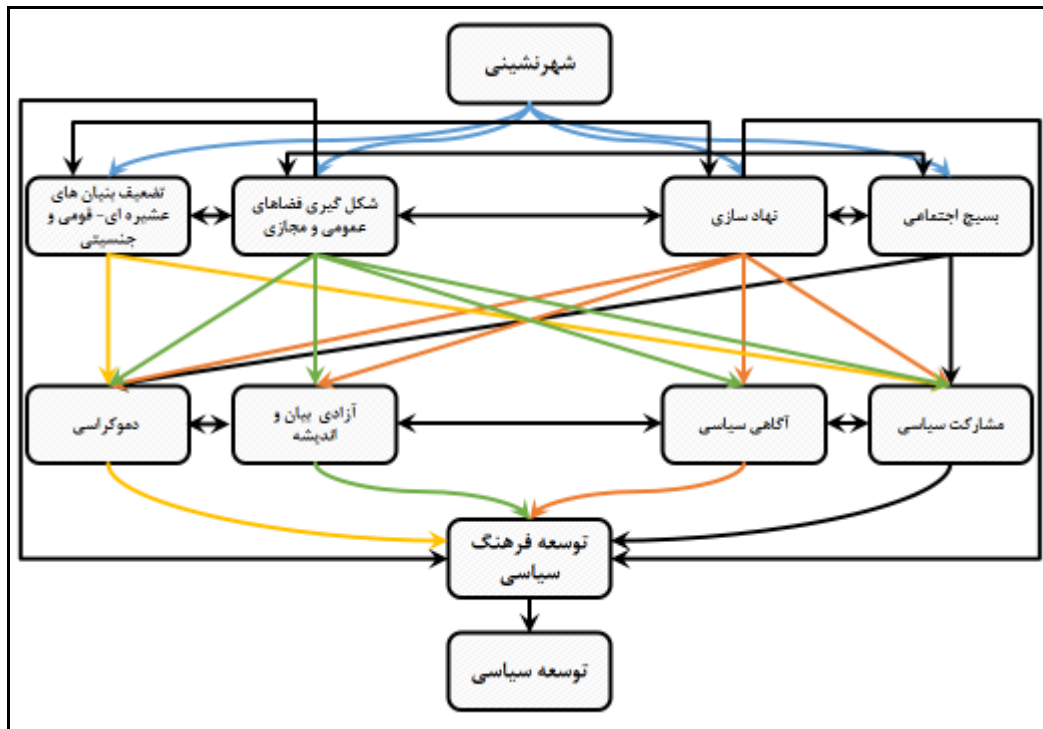
متغیرها	مشارکت سیاسی		آگاهی سیاسی		آزادی بیان و اندیشه		دموکراسی	
	ضریب همبستگی	سطح معناداری	ضریب همبستگی	سطح معناداری	ضریب همبستگی	سطح معناداری	ضریب همبستگی	سطح معناداری
مشارکت سیاسی	-	-	۰/۱۲۹	۰/۰۴۱	۰/۲۴۰	۰/۰۰	۰/۲۶۸	۰/۰۰
آگاهی سیاسی	۰/۱۲۹	۰/۰۴۱	-	-	۰/۵۵۹	۰/۰۰	۰/۲۸۶	۰/۰۰
آزادی بیان و اندیشه	۰/۲۴۰	۰/۰۰	۰/۵۵۹	۰/۰۰	-	-	۰/۲۱۹	۰/۰۰
دموکراسی	۰/۲۶۸	۰/۰۰	۰/۲۸۶	۰/۰۰	۰/۲۱۹	۰/۰۰	-	-

۴-۲-۲- تحلیل مسیر و آزمون مدل پژوهش

در این پژوهش جهت سنجش اثرات مستقیم غیر مستقیم متغیر مستقل (شهروندی) بر متغیر وابسته (توسعه فرهنگ سیاسی)، از آزمون تحلیل مسیر^۱ استفاده شده است. تحلیل مسیر یک روش پیشرفته آماری است که به کمک آن می‌توان علاوه بر تأثیرات مستقیم، تأثیرات غیر مستقیم بر متغیر وابسته را نیز شناسایی کرد. مهمترین بخش این تحلیل، طراحی و آزمون نمودار مسیر می‌باشد که از چند جزء اساسی تشکیل شده است. پس از مرور مبانی نظری و تدوین چارچوب نظری تحقیق و همچنین نتایج گام اول پژوهش، نمودار تحلیل مسیر اثرات مستقیم و غیر مستقیم مؤلفه‌های شهروندی و فرهنگ سیاسی بر توسعه سیاسی طراحی و در نهایت مورد آزمون تجربی قرار گرفت. نمودار طراحی شده تحلیل مسیر در شکل شماره ۳، آمده است.

۱ - path analysis

شکل شماره (۳): نمودار اولیه تحلیل مسیر پژوهش و ارتباط بین مؤلفه های آن



جهت آزمون مدل طراحی شده فوق در گام اول، ارتباط مستقیم بین مؤلفه های شهرنشینی و توسعه فرهنگ سیاسی آزمون گردیده است که در جدول شماره ۴ نشان داده شده است.

جدول شماره (۴): اثرات بین مؤلفه های شهرنشینی و توسعه فرهنگ سیاسی

انواع تأثیر			متغیرها
کل	غیر مستقیم	مستقیم	
۰/۶۵۴	(۰/۵۰۷) (۰/۶۶۲) (۰/۵۸۳) (۰/۵۴۸)	-	X_1 (بسیج اجتماعی)
۱/۰۱	(۰/۵۸۳) (۰/۶۱۱)	۰/۶۶۲	X_2 (نهادسازی)
۱/۷۲۶	(۰/۶۶۲) (۰/۶۲۳)	-	X_3 (شکل گیری فضاهای عمومی و مجازی)
۱/۸۵۳	(۰/۵۸۳) (۰/۷۵۸) (۰/۶۶۲) (۰/۶۱۱)	۰/۵۸۳	X_4 (تضعیف بنیان های عشیره ای و قومی)

نتایج بیانگر آن است که دو مؤلفه نهادسازی و تضعیف بنیان های قومی و عشیره ای با مؤلفه توسعه فرهنگ سیاسی دارای ارتباط مستقیم بوده و دو مؤلفه بسیج اجتماعی و شکل گیری فضاهای عمومی و مجازی فاقد ارتباط مستقیم بوده اند. شایان ذکر است میزان ارتباط غیرمستقیم متغیرهای بسیج اجتماعی ۰,۶۵۴، نهادسازی ۰,۳۵۶، شکل گیری فضاهای عمومی و مجازی ۱,۷۲۶ و تضعیف بنیان های قومی و عشیره ای ۱,۲۷ است. لذا می توان گفت متغیر

تضعیف بنیان های قومی و عشیره ای با میزان ارتباط مستقیم و غیرمستقیم ۱,۸۵۳ در بیشترین اثر و بسیج اجتماعی با ۰,۶۵۴ کمترین اثر بر توسعه فرهنگ سیاسی داشته است.

در گام دوم تحلیل بر اساس مدل مفهومی تحقیق، عامل مشارکت سیاسی به عنوان متغیر وابسته و عوامل بسیج اجتماعی، نهاد سازی، شکل گیری فضاهای عمومی و مجازی و تضعیف بنیان های عشیره ای قومی و جنسیتی به عنوان متغیر های مستقل در نظر گرفته شده اند (جدول شماره ۶).

جدول شماره (۶): اثرات بین مشارکت سیاسی و مؤلفه های شهرنشینی

انواع تأثیر			متغیرها
کل	غیر مستقیم	مستقیم	
۰/۷۶۱	(۰/۵۰۷) (۰/۶۶۲) (۰/۳۰۴) (۰/۶۶۲)	۰/۲۲۵	X _۱ (بسیج اجتماعی)
۰/۶۳۶	(۰/۵۰۷) (۰/۲۲۵) (۰/۶۱۱) (۰/۵۴۸) (۰/۲۲۵) (۰/۶۲۳) (۰/۳۰۴) (۰/۶۲۳) (۰/۷۵۸) (۰/۵۴۸) (۰/۲۲۵)	۰/۲۰۰	X _۲ (نهادسازی)
۰/۵۹۲	(۰/۶۲۳) (۰/۲۰۰) (۰/۶۲۳) (۰/۵۰۷) (۰/۲۲۵) (۰/۷۵۸) (۰/۵۴۸) (۰/۲۲۵)	۰/۳۰۴	X _۳ (شکل گیری فضاهای عمومی و مجازی)
۰/۲۴۵	(۰/۵۴۸) (۰/۲۲۵) (۰/۶۱۱) (۰/۲۰۰)	-	X _۴ (تضعیف بنیان های عشیره ای و قومی)

همانطور که در جدول شماره ۶ مشاهده می شود، متغیر شکل گیری فضاهای عمومی و مجازی با ضریب بتای ۰,۳۰۴ بیشترین تأثیر را بر روی متغیر مشارکت سیاسی دارد، البته دو متغیر بسیج اجتماعی و نهاد سازی نیز به ترتیب با بتای ۰,۲۵۵ و ۰,۲۰۰ بر عامل مشارکت سیاسی تأثیرگذار بوده اند. متغیر تضعیف بنیان های عشیره ای قومی و جنسیتی نیز بر روی متغیر مشارکت سیاسی بصورت مستقیم تأثیر گذار نبوده اما بصورت غیرمستقیم تأثیرگذار بوده که مقادیر آن در متغیر بسیج اجتماعی ۰,۵۳۶، نهادسازی ۰,۴۳۶، شکل گیری فضا ۰,۲۸۸ و تضعیف بنیان های قومی ۰,۲۴۵ است. بر این اساس بیشترین اثر مستقیم و غیر مستقیم مربوط به متغیر بسیج اجتماعی با ۰,۷۶۱ و کمترین آن مربوط به متغیر تضعیف بنیان های قومی و عشیره ای با ۰,۲۴۵ می باشد.

در گام سوم تحلیل، آگاهی سیاسی به عنوان متغیر وابسته، نهاد سازی و شکل گیری فضاهای عمومی و مجازی به عنوان متغیر های مستقل در نظر گرفته شده اند (جدول شماره ۷).

جدول شماره (۷): اثرات بین آگاهی سیاسی و مؤلفه های شهرنشینی

متغیرها	انواع تأثیر
---------	-------------

کل	غیر مستقیم	مستقیم	
۰/۸۸۵	(۰/۷۵۸) (۰/۶۰۲) (۰/۶۶۲) (۰/۶۰۲) (۰/۴۶۸) (۰/۵۰۷)	-	X_1 (بسیج اجتماعی)
۰/۴۶۸	-	۰/۴۶۸	X_2 (نهادسازی)
۰/۸۹۳	(۰/۴۶۸) (۰/۶۲۳)	۰/۶۰۲	(شکل گیری فضاهای عمومی و X_3 مجازی)
۰/۹۶۲	(۰/۷۵۸) (۰/۶۰۲) (۰/۴۶۸) (۰/۶۲۳) (۰/۷۵۸) (۰/۴۶۸) (۰/۶۱۱)	-	(تضعیف بنیان های عشیره ای و X_4 قومی)

همانطور که در شکل شماره ۷، مشاهده می شود، متغیر شکل گیری فضاهای عمومی و مجازی با ضریب بتای ۰,۶۰۲ بیشترین تأثیر مستقیم را بر روی متغیر آگاهی سیاسی دارد، در نتیجه می توان گفت که متغیرهای نهاد سازی، شکل گیری فضاهای عمومی و مجازی به صورت مستقیم و غیرمستقیم و متغیرهای بسیج اجتماعی (۰,۸۸۵) و تضعیف بنیان های قومی و عشیره ای (۰,۹۶۲) بصورت غیرمستقیم بر آگاهی سیاسی تاثیر گذارند. بطور کلی می توان گفت که بیشترین اثرگذاری مربوط به متغیر تضعیف بنیان های قومی و عشیره ای و کمترین آن مربوط به متغیر نهادسازی با مقدار ۰,۴۶۸ می باشد.

در گام چهارم تحلیل، مؤلفه آزادی بیان و اندیشه به عنوان متغیر وابسته، نهاد سازی و شکل گیری فضاهای عمومی و مجازی به عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده اند (جدول شماره ۸).

جدول شماره (۸): اثرات بین آزادی بیان و اندیشه و مؤلفه های شهرنشینی

انواع تأثیر			متغیرها
کل	غیر مستقیم	مستقیم	
۱/۰۵۶	(۰/۷۱۴) (۰/۷۵۸) (۰/۶۶۲) (۰/۷۱۴) (۰/۵۷۰) (۰/۵۰۷)	-	X_1 (بسیج اجتماعی)
۰/۵۷۰	-	۰/۵۷۰	X_2 (نهادسازی)
۱/۰۶۹	(۰/۵۷۰) (۰/۶۲۳)	۰/۷۱۴	(شکل گیری فضاهای عمومی و X_3 مجازی)
۰/۶۱۷	(۰/۷۵۸) (۰/۶۲۳) (۰/۵۷۰) (۰/۵۷۰) (۰/۶۱۱)	-	(تضعیف بنیان های عشیره ای و X_4 قومی)

همانطور که در جدول شماره ۸، مشاهده می شود، متغیر شکل گیری فضاهای عمومی و مجازی با ضریب بتای ۰,۷۱۴ بیشترین تأثیر مستقیم را بر روی متغیر آزادی بیان دارد، در نتیجه می توان گفت که متغیرهای نهاد سازی، شکل گیری فضاهای عمومی و مجازی به صورت مستقیم و غیرمستقیم و متغیرهای بسیج اجتماعی و تضعیف بنیان های قومی و عشیره ای بصورت غیرمستقیم بر آگاهی سیاسی تاثیر گذارند که مقادیر آن عبارتست از ۱,۰۵۶ بسیج اجتماعی،

۰,۳۵۵ شکل گیری فضاهای عمومی و مجازی و ۰,۶۱۷ تضعیف بنیان های قومی و عشیره‌ای. بطور کلی می‌توان گفت که بیشترین اثرگذاری مربوط به مؤلفه شکل گیری فضاهای عمومی و مجازی با تاثیر کل ۱,۰۶۹ و کمترین آن مربوط به مؤلفه نهادسازی با مقدار ۰,۵۷۰ می باشد.

در گام پنجم تحلیل، مؤلفه دموکراسی به عنوان متغیر وابسته و عوامل بسیج اجتماعی، نهاد سازی، شکل گیری فضاهای عمومی و مجازی و تضعیف بنیان های عشیره ای قومی و جنسیتی به عنوان متغیر های مستقل در نظر گرفته شده اند (جدول شماره ۹).

شکل شماره(۸): اثرات بین دموکراسی و مؤلفه‌های شهرنشینی

انواع تأثیر			متغیرها
کل	غیر مستقیم	مستقیم	
۰/۸۰۷	(۰/۵۳۶) (۰/۵۰۷) (۰/۶۶۲) (۰/۲۸۹) (۰/۵۴۸) (۰/۲۳۴)	۰/۲۱۷	X_1 (بسیج اجتماعی)
۰/۵۳۶	-	۰/۵۳۶	X_2 (نهادسازی)
۰/۷۹۹	(۰/۶۲۳) (۰/۵۳۶) (۰/۷۵۸) (۰/۲۳۴)	۰/۲۸۹	X_3 (شکل گیری فضاهای عمومی و مجازی)
۱/۸۵۴	(۰/۵۳۶) (۰/۶۱۱) (۰/۲۸۹) (۰/۷۵۸) (۰/۵۳۶) (۰/۶۲۳) (۰/۷۵۸)	۰/۲۳۴	X_4 (تضعیف بنیان های عشیره ای قومی)

نتایج جدول شماره ۹، نشان می دهد متغیر نهاد سازی با ضریب بتای ۰,۵۳۶ بیشترین اثر مستقیم را بر روی متغیر دموکراسی دارد. در این مؤلفه بین تمام متغیرهای مستقل و وابسته هم رابطه مستقیم و هم غیرمستقیم وجود دارد. میزان اثرات مستقیم در متغیر بسیج اجتماعی ۰,۵۹۰، شکل گیری فضای مجازی ۰,۵۱۰ و تضعیف بنیان های قومی و عشیره ای ۱,۶۲۰ می باشد. بطور کلی نیز بیشترین اثرگذاری مربوط به مؤلفه تضعیف بنیان های عشیره ای قومی و جنسیتی با مقدار ۱,۸۵۴ و کمترین آن مربوط به مؤلفه نهادسازی با ۰,۵۳۶ می باشد.

پس از مشخص نمودن ارتباط بین مؤلفه‌های شهرنشینی و توسعه فرهنگ سیاسی، در گام ششم بر اساس مدل تحلیل ارایه شده در شکل شماره سه، ارتباط بین مؤلفه‌های توسعه فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی آزمون گردید. براساس نتایج بدست آمده بین متغیرهای توسعه فرهنگ سیاسی بعنوان متغیر مستقل و توسعه سیاسی بعنوان متغیر وابسته علاوه بر اثر مستقیم، اثرگذاری غیرمستقیم نیز وجود دارد. در جدول شماره ۱۰، روابط بین این متغیرها نشان داده شده است.

جدول شماره (۱۰): اثرات مؤلفه های توسعه فرهنگ سیاسی بر توسعه سیاسی

انواع تأثیر			متغیرها
کل	غیر مستقیم	مستقیم	
۱/۰۸	(۰/۳۴۹) (۰/۴۴۸) (۰/۳۹۱) (۰/۴۱۷) (۰/۴۱۷) (۰/۵۳۳) (۰/۴۲۵)	۰/۲۵۲	X_5 (مشارکت سیاسی)

	(-0/417) (-0/533) (-0/648) (-0/349) (-0/425) (-0/562) (-0/562) (-0/648) (-0/349)		
1/109	(-0/252) (-0/417) (-0/533) (-0/501) (-0/533) (-0/648) (-0/349) (-0/533) (-0/425)	0/391	آگاهی سیاسی (X ₆)
1/139	(-0/562) (-0/252) (-0/533) (-0/417) (-0/252) (-0/648) (-0/349) (-0/533) (-0/391) (-0/562) (-0/448) (-0/349) (-0/758) (-0/234)	0/425	آزادی بیان و اندیشه (X ₇)
0/179	(-0/448) (-0/252) (-0/501) (-0/391) (-0/501) (-0/417) (-0/252) (-0/648) (-0/533) (-0/391) (-0/648) (-0/533) (-0/417) (-0/252)	0/349	دموکراسی (X ₈)

با توجه به نتایج بدست آمده بیشترین اثر مستقیم مربوط به متغیر آزادی بیان و اندیشه با مقدار 0,425 و کمترین آن مربوط به متغیر مشارکت سیاسی با مقدار 0,252 می باشد. اثرات غیرمستقیم در این متغیرها عبارتست از مشارکت سیاسی 0,828، آگاهی سیاسی 0,718، آزادی بیان و اندیشه 0,714 و دموکراسی 0,530. بیشترین اثر مستقیم و غیر مستقیم نیز مربوط به متغیر آزادی بیان و اندیشه با مقدار 1,139 و کمترین آن مربوط به دموکراسی با مقدار 0,179 می باشد.

۵- نتیجه گیری

با توجه به موضوع بررسی شده در این پژوهش که به بررسی تأثیرات ابعاد مختلف شهرنشینی بر توسعه جامعه مدنی در ایران می پردازد، نتایج تحقیق که به مدد تلفیق روش های کمی و کیفی حاصل شده است نشان می دهد که

شهرنشینی در ایران بویژه در دهه های اخیر هر چند خود معلول فرآیندهای مختلف داخلی و جهانی بوده است، بر توسعه‌ی سیاسی و بالاخص توسعه فرهنگ سیاسی که مدخلی بر توسعه جامعه مدنی در یک نظام و ساختار اجتماعی می‌باشد، تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم داشته است. بدین منظور بررسی کیفی و کمی در دو بخش ارائه گردید. در ابتدا عوامل شکل‌دهنده به شهرنشینی و توسعه‌ی فرهنگ سیاسی شناسایی و مدل تأثیر شهرنشینی بر توسعه فرهنگ سیاسی تنظیم گردید. جهت استخراج عوامل از تکنیک تحلیل محتوا استفاده شد. نتایج تحلیل محتوای مصاحبه با خبرگان و همچنین مؤلفه‌ها، گویه‌ها و متغیرهای استخراج شده، و ارتباط آنها با توسعه سیاسی نشان داده شد. نتایج بر گرفته از نظریات خبرگان و کارشناسان با استفاده از تکنیک دلفی سیاستی و در قالب روش تحقیق کیفی نشان داد دو عامل اصلی دولت و اعضای جامعه در عینیت یافتن مبحث جامعه مدنی در یک فضای جغرافیایی تأثیر گذار می‌باشند. نخست، نقش دولت و حاکمیت به عنوان متولی امور برنامه ریزی و سیاست گذاری قابل بررسی است. چرا که دولت و نهادهای تأثیر گذار با تعیین قوانین و مقررات مبنا، میزان برخورداری از سطح دموکراسی و پیاده سازی آن در جامعه نقش سلبی و یا ارتقا دهنده توسعه جامعه مدنی را دارند و تا زمانی که عزم جدی در این خصوص شکل نگیرد نمی‌توان انتظار داشت فعالیت های مختلفی نظیر افزایش مشارکت سیاسی، شکل گیری احزاب و... به سطح ایده آل خود نزدیک شود. عامل دوم اعضای جامعه هدف می‌باشند که سطح و میزان مطالبات آنها از دولت با توجه به میزان آگاهی‌های سیاسی، شکل گیری نهاد های مختلف در جامعه، عدم پایداری به تفکرات بازدارنده توسعه نظیر اندیشه های قومی و قبیله ای، سطح سواد، انگیزه های مشارکت مدنی و... متغیر خواهد بود. اما آنچه حایز اهمیت است بستر و مکان جغرافیایی بوجود آورنده مفهوم جامعه مدنی می‌باشد. همانطور که در طول تحقیق اشاره شد، شهر بستر شکل گیری فضای سیاسی، دولت ها و بسیج اجتماعی بوده است، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت شهر و شهرنشینی به مثابه مکان و فضایی جغرافیایی می‌تواند تبلور و خاستگاه اولیه توسعه جامعه مدنی باشد. در بخش کمی مدل خروجی تحقیق، رابطه ی معنادار بین ابعاد شهرنشینی و ابعاد توسعه ی جامعه مدنی را نشان می‌دهد. آزمون آماری اسپیرمن نیز نشان می‌دهد، بین شهرنشینی و توسعه فرهنگ سیاسی، همبستگی وجود دارد، لذا در صورت افزایش شهرنشینی، توسعه‌ی فرهنگ سیاسی و شکل گیری جامعه مدنی محقق شده و متعاقب با آن، با افزایش فرهنگ سیاسی و بسط محورهای جامعه مدنی، باید انتظار تغییر در کیفیت زندگی شهری و رشد ابعاد شهرنشینی و به طور کلی گذار از شهرنشینی به شهرگرایی و شکل گیری مجموعه ای شهروندان مسئول و تأثیرگذار را داشته باشیم.

نتایج مدل تحلیل مسیر مربوط به مؤلفه‌های پژوهش نیز بیانگر آن است که مؤلفه های شهرنشینی، نهادسازی و تضعیف بنیان‌های قومی و عشیره‌ای بصورت مستقیم و غیرمستقیم بر توسعه فرهنگ سیاسی و نهایتاً جامعه مدنی تأثیرگذار بوده و مؤلفه‌های بسیج اجتماعی و شکل گیری فضاهای عمومی و مجازی بصورت غیرمستقیم بر مؤلفه های توسعه فرهنگ سیاسی تأثیر گذار هستند. بیشترین مقدار تأثیر مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای شهرنشینی مربوط به متغیر تضعیف بنیان‌های قومی و عشیره‌ای با مقدار ۱/۸۵۴، بر متغیر دموکراسی بوده و کمترین آن نیز مربوط به تأثیر همین متغیر بر مشارکت سیاسی با مقدار ۰/۲۴۵، بوده است. همچنین از بین متغیرهای شهرنشینی، تضعیف بنیان های قومی و عشیره ای با میزان ارتباط کل ۱/۸۵۳، بیشترین و بسیج اجتماعی با ۰/۶۵۴، کمترین اثر بر توسعه فرهنگ سیاسی داشته است. از سوی دیگر متغیر آزادی بیان و اندیشه بعنوان یکی از متغیرهای مؤلفه‌های توسعه فرهنگ سیاسی، با ۱/۱۳۹ بیشترین و دموکراسی با مقدار ۰/۸۷۹، کمترین تأثیر بر توسعه سیاسی را داشته است.

از طرفی با توجه به سه مدل مطرح در مورد تأثیر شهرنشینی بر توسعه فرهنگ سیاسی؛ اولین مدل که توسط میلبرت، داتچ، لرنر و دیگران بسط داده شده است، مدعی است مشارکت و فرهنگ سیاسی با جابجایی افراد از مناطق حاشیه ای (روستایی) به مناطق مرکزی (شهری) بالاتر می‌رود. بر طبق مدل دوم که توسط وربا، نیل، دال، تافته و دیگران پرورش یافته، مشارکت و فرهنگ سیاسی با جا به جایی افراد از مناطق کم جمعیت تر یعنی روستاها و شهرهای کوچک به مناطق پرجمعیت تر یعنی شهرهای بزرگ و بخصوص پایتخت ها که از آنها به عنوان دولت - شهر یاد می‌شود، تنزل

می یابد. مدل سوم نیز که توسط آکس اینکلس و دیگران ارائه شده است، نشان می دهد که شواهد اندکی وجود دارد که شهرنشینی تأثیر آشکاری بر رفتار سیاسی افراد داشته باشد. نتایج پژوهش نشان می دهد که شهرنشینی در ایران و تأثیر آن بر توسعه سیاسی به طور اعم و توسعه فرهنگ سیاسی به صورت اخص از مدل ارائه شده توسط میلبرت، داتچ، لرنر و دیگران تبعیت می نماید.

بنابراین با توجه به نتایج حاصل از دو بخش کیفی و کمی پژوهش در مرحله اول تحقیق، می توان نتیجه گرفت که شهر و فرآیند شهرنشینی منجر به شکل گیری و ارتقاء جامعه مدنی شده و در صورت تقویت مـلفه های شهرنشینی می توان انتظار داشت جامعه مدنی و مفاهیم مرتبط با آن نیز به مرور توسعه پیدا کنند.

۶. منابع و مأخذ:

۱. پاینده نجف آبادی، امیر تیمور، امیدی نجف آبادی، مریم (۱۳۹۲): تحلیل ساختاری تأییدی، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۲. چلبی، مسعود (۱۳۷۵): جامعه شناسی نظم، نشر نی، چاپ اول.
۳. حسینی هاشم زاده، داوود (۱۳۷۹): بررسی فرهنگ سیاسی دانشجویان کارشناسی ارشد، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
۴. عظیمی، ناصر (۱۳۸۴): شهر و انباشت سرمایه، انتشارات آگاه، تهران.
۵. قوام، عبدالعلی (۱۳۷۹): چالشهای توسعه سیاسی، انتشارات قومس، تهران.
۶. مرکز آمار ایران (۱۳۹۰): نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن.
۷. مؤمنی، منصور، فعال قیومی، علی (۱۳۸۹): «تحلیل های آماری با استفاده از SPSS»، تهران، کتاب نو.
۸. نظریان، اصغر (۱۳۸۸): پویائی نظام شهری ایران، انتشارات مبتکران، تهران.
۹. Alex Inkeles, Participant Citizenship in Six Developing Country, American Political Science Review, LXIII, December ۱۹۶۹, p.۱۱۳۹.
۱۰. Britannica (The New Encyclopedia), ۱۹۷۷, volume ۱۲, Printed in U.S.A.
۱۱. Cutright, p, (۱۹۶۳): National Political Development: Social and Economic Correlates, Political and Social Life, p. ۵۶۹.
۱۲. Daniel Lerner, the passing of Traditional Society, New York: free press, ۱۹۵۶.pp.۴۳-۷۵.
۱۳. Desai, Potter, V., Robert, B. (۲۰۰۲): The Companion to Development Studies, Oxford University Press Inc., New York.

14. Desai, N. (2010) Demographic Dividend or Debt. Building from bottom: Infrastructure and Poverty Alleviation edited.
15. Duhaime, Carole P., Tavish, Ronald Mc, and Christopher A. Ross (1988) Journal of macro marketing, spring 1988
16. Fisher, Stephen. Political Culture. 2003. P.1. (<http://malroy.econ.ox.ac.uk/fisher/polSOC>).
17. Gabriel A. Almond and Sidney Verba, The Civic Culture: Political Attitudes and Democracy in Five Nations, Boston, Little Brown 1963. p.10.
18. Grace, J. B. (2006). Structural equation modelling and natural systems. Cambridge university press. New York.
19. Hesse-Biber, Sharlene Nagy, (2010), Mixed Methods Research: Merging Theory with Practice, Guilford Press.
20. Hong Nack Kim and Sunki Choe, Urbanization and Changing Voting Patterns in South Korean, Parliamentary Election, Journal of Northeast Asian Studies, Fall 1987, pp.31-32.
21. Karl W. Deutsch, "Social Mobilization and Political Development, American Political Science Review, LV (September 1961), pp.493-515.
22. Kennedy, Amanda L (2012). Using Community-Based Social Marketing Techniques to Enhance Environmental Regulation, Sustainability 2012, 4, 1138-1160;
doi:10.3390/su2041138
23. Lester W. Milbrath, political Participation: How and Why People Get Involved in Politics, Chicago: Rand McNally, 1968, pp.110-114.
24. Lipset, S. M. (1959): Some Social Requisites of Democracy: Economic Development and Political Legitimacy, American Political Science Review, p 69.
25. Mc Crone, Crude (1967): Toward a Communication Theory of Democratic Political Development: A Casual Model, American Political Science Review, pp. 72 - 79.
26. Myrdal, Gunnar (1972) Asian Drama: An Inquiry into the poverty of Nations, abridged edition, New York: Vintage Books

27. Satterthwaite, David, (2007): The transition to a predominantly urban world and its underpinnings, *United Human Settlements Discussion Paper Series, Theme: Urban Change- 4*.
28. Strenton, Poul (1979) *Development Ideas in Historical Perspective*, in *Toward a New Strategy for Development*, Kim A. Hill, ed., New York: Pergamon Press
29. Tanter, R., (1967): *Toward a Theory of Political Development*, *Midwest Journal of Political Science*, p, 145.
30. Todaro, Smith, (2006): *Economic Development*, Prentice Hall: Ninth Edition.
31. Usha, A., (2002): *Urban Environment – Sustainable Development*, Working Paper Series, K 32. (http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=955789).